

رئیس‌جمهور ایالات متحده عصر جمعه به وقت محلی در اقدامی جنجالی و بی‌سابقه، با امضای یک فرمان اجرایی در دفتر بیضی شکل کاخ سفید، دستور داد عنوان «وزارت جنگ» به عنوان نام دوم وزارت دفاع ایالات متحده احیا شود. این اقدام، بازگشت به نام تاریخی وزارت‌خانه‌ای است که از زمان استقلال آمریکا در سال ۱۷۸۹ تا پایان جنگ دوم جهانی به همین نام شناخته می‌شد و پس از آن، با تغییرات اداری و تصویب قانون امنیت ملی ۱۹۴۷، به «وزارت دفاع» تبدیل شد.

دونالد ترامپ پیش از امضای فرمان در سخنانی که به طور زنده از کاخ سفید پخش شد، اعلام کرد: «به نظر من، این نام بسیار مناسب‌تر است، بویژه با توجه به شرایط کنونی جهان. ما قوی‌ترین ارتش جهان را داریم». وی با اشاره به دستاوردهای نظامی و جنگ‌طلبی‌های ارتش آمریکا در قرن گذشته، تصریح کرد این تغییر، نماد پیروزی، قدرت و روحیه هجومی ارتش آمریکا خواهد بود و پیام روشنی به دشمنان و متحدان فرستاده می‌شود: «پیام تغییر نام وزارت دفاع به وزارت جنگ پیام پیروزی بر دشمنان است. آمریکا بسیار قدرتمند است، قدرتمندتر از آنچه دیگران بتوانند واقعا درک کنند».

رئیس‌جمهور آمریکا همچنین پس از رجزخوانی با اشاره به عملیات نظامی اخیر علیه ایران، ادعا کرد این مأموریت کملا موفق و بدون نقص اجرا شد و فراتر از یک حمله صرف بود و وی افزود: «فرماندهی عملیات علیه ایران موفق و بدون نقص بود. این عملیات مطابق گزارش شرکت سازنده بمبافکن ۲B بدون حتی کوچک‌ترین ایراد انجام شد».

■ **تاریخچه «وزارت جنگ» و تغییرات پس از جنگ دوم جهانی**
وزارت جنگ آمریکاابتدا سال ۱۷۸۹ با فرمان جورج واشنگتن به منظور نظارت بر نیروهای نظامی تازه‌تأسیس کشور ایجاد شد. «هنری ناکس» نخستین وزیر جنگ ایالات متحده، پیش از این نیز در دوران انقلاب فرماندهی نظامی را بر عهده داشت و از سال ۱۷۸۵ وزیر جنگ کنفدراسیون بود. این وزارت‌خانه تا پایان جنگ دوم جهانی با همین عنوان شناخته می‌شد و در طول بیش از ۱۵۰ سال، ایالات متحده را در جنگ‌های متعدد داخلی و خارجی، از جمله جنگ با بریتانیا، اسپانیا، مکزیک و فیلیپین هدایت کرد. پس از پایان جنگ دوم جهانی و در دوران آغاز جنگ سرد، هر ی ترومن، رئیس‌جمهور وقت با تصویب قانون امنیت ملی ۱۹۴۷ وزارت‌های نیروی دریایی، جنگ و نیروی هوایی مستقل را در یک سازمان واحد به نام «بهاد نظامی ملی» ادغام کرد. هدف این اقدام، تمرکز بر دفاع جمعی و جلوگیری از جنگ در دوران نوپای سلاح‌های هسته‌ای بود. ۲ سال بعد، این نهاد به «وزارت دفاع» تغییر نام داد و از آن زمان، این وزارت‌خانه به جنگ‌ها و عملیات نظامی در شبه‌جزیره کره، ویتنام، افغانستان و عراق نظارت داشته است. ریچارد کان، استاد ممتاز تاریخ نظامی دانشگاه کارولینای شمالی در این باره می‌گوید: «تغییر نام در سال ۱۹۴۹ نشان‌دهنده وظایف گسترده‌تر وزارت‌خانه بود که شامل جنگ، سیاست خارجی، اطلاعات و امنیت ملی می‌شد و تأکید بر اجتناب از جنگ را در عصر نوپای هسته‌ای نشان می‌داد».

■ **دلایل ترامپ برای بازگشت به نام تاریخی**

رئیس‌جمهور آمریکا در ماه‌های اخیر بارها تأکید کرده بود عنوان «وزارت دفاع» بیش از حد تدافعی و کمره‌ق است و نمی‌تواند توان هجومی و قدرت نظامی آمریکا را بخوبی منتقل کند. به گفته وی، نام «وزارت جنگ» صدای قدرت، آمادگی و روحیه پیروزی را بهتر بازتاب می‌دهد و یادآور دوران پیروزی‌های تاریخی آمریکا در جنگ‌های اول و دوم جهانی است. ترامپ معتقد است آمریکا از این پس با روحیه نامگذاری و استراتژی نظامی جدید آمریکاست: «این تغییر، نه فقط برای دفاع، بلکه برای حمله و پیروزی است». وزیر دفاع حال حاضر این وزارت‌خانه، پیت هگست نیز پس از تغییر نام وزارت‌خانه متبوعش اعلام کرد وزارت جنگ آمریکا از این پس با روحیه تهاجمی‌تر فعالیت خواهد کرد: «وزارت جنگ قرار است قاطعانه بجنگد اما نه اینکه وارد جنگ‌های بی‌پایان شود. هدف ما پیروزی است، نه فقط جلوگیری از شکست. ما به جای دفاع صرف، به حمله رو خواهیم آورد و از حاکمتر توان رزمی و قدرت تخریبی خود استفاده خواهیم کرد».

■ **جزئیات فرمان اجرایی و تغییرات عملیاتی**

بر اساس فرمان اجرایی ترامپ، وزارت‌خانه و مقامات آن



ترامپ با تغییر نام وزارت دفاع به «وزارت جنگ»

روحیه جنگ طلبانه آمریکا را به نمایش گذاشت

ژست جنگ

می‌توانست عناوین «وزارت جنگ»، «وزیر جنگ» و «معاون وزیر جنگ» را در مکاتبات رسمی و ارتباطات عمومی استفاده کنند، بدون آنکه نیاز به تصویب کنگره باشد. همچنین رئیس پنتاگون موظف است پیشنهادهای قانونی و اجرایی لازم برای تبدیل دائم نام وزارت‌خانه به جنگ را ارائه دهد. کاخ سفید اعلام کرد تغییر نام ثانویه می‌تواند اجرا شود و اجرای آن نیازمند تغییر قوانین موجود نخواهد بود. با این حال، اجرای این تغییر در سطح عملیاتی چالش‌های قابل توجهی به همراه دارد. طبق گزارش‌ها، بیش از ۷۰۰ هزار تأسیسات دولتی در ۴۰ کشور جهان و تمام ۵۰ ایالت آمریکا ممکن است مجبور شوند نشانه‌ها، مهرها، سربرگ‌ها، تابلوها و حتی دستمال‌های جاکتی‌های را تغییر دهند. یک مقام پیشین وزارت دفاع این اقدام را «تهدای برای مخاطب داخلی سیاسی» توصیف کرد و هشدار داد میلیاردها دلار هزینه خواهد داشت و تأثیر قابل توجهی هم بر محاسبات راهبردی رقبای آمریکا نخواهد گذاشت.

■ **واکنش‌ها در واشنگتن و پنتاگون**

تغییر نام وزارت‌خانه، بازخورد‌های گسترده‌ای در میان سیاستمداران ومقامات نظامی ایجاد کرد.برخی جمهوری خواهان از این اقدام حمایت کرده و آن را احیای روحیه جنگ‌جویانه و احترام به تاریخ نظامی آمریکا دانسته‌اند. در مقابل، برخی دموکرات‌ها این اقدام را نمایشی و پرت کردن تمرکز از مسائل واقعی امنیتی و آمادگی نیروهای آمریکا دانسته‌اند. جین شاهین، سناتور دموکرات ارشد کمیته روابط خارجی سنا اعلام کرد: «صرف زمان و انرژی رئیس‌جمهور و وزیر دفاع روی حواس‌پرتی از آنچه باید انجام شود، چیزی جز تلافی برای منحرف کردن تمرکز از مسائل اصلی کشور نیست».

رهبران ارشد جمهوری خواه نیز واکنش‌های متفاوتی دلشتند. سناتور میچ مک‌کانل، رهبر اکثریت سابق سنا و ناظر بودجه پنتاگون، ضمن انتقاد از بودجه‌های پیشنهادی نوشت: «اگر آن را وزارت جنگ بنامیم، باید ارتش را واقعا برای پیشگیری و پیروزی در جنگ‌ها تجهیز کنیم. نمی‌توان برتری آمریکا را حفظ کرد، اگر حاضر نباشیم سرمایه‌گذاری زیادی روی ارتش کنیم». همچنین کارکنان پنتاگون از این تغییر بودی رسانی ناراضی و سردرگم هستند. بسیاری از مهرها، تابلوها و اسناد وزارت باید اصلاح شوند و پاکسازی سایت‌ها و صفحات رسمی شبکه‌های اجتماعی وزارت‌خانه، هفته‌ها طول خواهد کشید. حساب رسمی

آمریکا در آستانه حمله به ونزوئلا

شبکه خبری سسی‌ان‌ان به نقل از منابع آمریکایی گزارش داد رئیس‌جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ، در حال بررسی گزینده‌های حمله نظامی علیه باندهای مواد مخدر در ونزوئلا است. بر اساس این گزارش، این عملیات ممکن است اهدافی در داخل خاک ونزوئلا را نیز شامل شود. مقامات ونزوئلا اِلمابارا تأکید کرده‌اند ادعای «هبارزه با مواد مخدر» صرفاً بهانه‌ای برای مداخله و توطئه علیه دولت نیکولاس مادورو است و واشنگتن با هدف تضعیف حاکمیت ملی ونزوئلا و اعمال فشار سیاسی – نظامی بر آن کشور عمل می‌کند. تحلیلگران ونزوئلایی هشدار داده‌اند تمرکز آمریکا بر گزینه نظامی نه تنها تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی کاراکاس است، بلکه می‌تواند ثبات منطقه را نیز به خطر اندازد. سی‌ان‌ان همچنین گزارش داد این طرح بخشی از استراتژی گسترده برای تضعیف مادورو و افزایش نفوذ آمریکا در آمریکای لاتین است. کارشناسان ونزوئلایی تأکید می‌کنند چنین سیاستی می‌تواند زمینه‌ساز یک بحران جدی بین‌المللی و تشدید تنش‌ها شود و هشدار می‌دهند ونزوئلا برای مقابله با هر گونه تجاوز خارجی آمادگی کامل دارد.

در ادامه تحولات نظامی، منابع ونزوئلایی تأیید کردند روزهای ۴ و ۵ سپتامبر، ۲ فرزند جنگنده F-16 نیروی هوایی ونزوئلا بر فراز ناوشکن آمریکایی USS Jason Dunham در آب‌های بین‌المللی پرواز کردند. مقامات ونزوئلا تأکید کردند این پروازها کاملاً قانونی بوده و مطابق قوانین بین‌المللی انجام شده است و نشان‌دهنده توانایی کشور در دفاع از حريم هوایی و دریای خود و پاسخ به حضور نظامی آمریکا در منطقه است. یک فرمانده ارشد ونزوئلا در این باره گفت: «ما در حريم قانونی خود عمل می‌کنیم و اقدامات ما پاسخی به حضور فزاینده آمریکادر منطقه است. پرواز جنگنده‌ها بر فراز ناوشکن آمریکایی صرفاً نمایش قدرت دفاعی کشور ما است و هیچ هدف تجاوزکارانه‌ای ندارد». کارشناسان نظامی نیز بر این باورند این اقدام، پیامی روشن به واشنگتن است تا درک کند ونزوئلا آماده دفاع از منافع و امنیت ملی خود است. هم‌زمان، ارتش آمریکا اعلام کرد قصد دارد حداقل ۱۰ فرزند جنگنده پیشرفته F-35A را به پایگاه هوایی سن خوان در پور تو ریگو منتقل کند تا حضور نظامی خود در منطقه را تقویت کند. کارشناسان هشدار داده‌اند این اقدامات، در کنار پروازهای قانونی ونزوئلا، می‌تواند خطر تنش و تشدید رقابت‌های نظامی در منطقه را افزایش دهد و زمینه‌ساز بر خورد‌های ناخواسته شود. کارشناسان نظامی ونزوئلا معتقدند اقدام اخیر آمریکا، از جمله انتقال جنگنده‌های پیشرفته به پور تو ریگو، نمادی از فشار نظامی و تلاش برای اعمال سلطه در منطقه است، در حالی که حضور جنگنده‌های F-16 ونزوئلا پیام روشنی است که کشور حاضر به دفاع از خود و منافع منطقه‌ای است و اجازه نمی‌دهد تهدیدات خارجی بدون پاسخ بماند.

استراتژیک ایجاد کرده است اما از نظر ترامپ و حامیان‌ش، این گامی برای بازسازی هویت نظامی و اعلام قدرت آمریکا به جهان است. با این اقدام، آمریکا رسماً وارد دوره‌ای شده که نه تنها بر دفاع، بلکه بر حمله پیروزی و نمایش قدرت جهانی تأکید دارد. این سیاست می‌تواند زمینه‌ای برای اقدامات تهاجمی و وحشیانه مشابه حمله به عراق فراهم کند؛ اقداماتی آشوب‌طلبانه در سطح بین‌المللی که با هدف حفظ هژمونی آمریکا و اعمال فشار بر کشورهای دیگر دنبال می‌شود.

این تغییر نمادین، هشداری است به جهان مبنی بر اینکه آمریکامکمن باید دیگر بازویکردهای نظامی تهاجمی، نقش خود را به عنوان بازگیر اصلی و غالب در نظم بین‌المللی تثبیت کند. حتی اگر این به معنای ایجاد بی‌ثباتی گسترده و بحران‌های جهانی باشد، البته برخی نیز درباره این اقدام معتقدند بیشتر شبیه یک نمایش نمادین است.

اقدام راهبردی علیه تسلیم

البته در این بین یک ادعای کذب دیگر نیز مطرح می‌شود که حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران را به قانون اقدام راهبردی ربط می‌دهد. در حالی که حمله نظامی به ایران، در پی تحولات ۲ سال اخیر در منطقه رخ داد، نتایج‌هاو در ماه‌ها و هفته‌ها منتهی به ۲۳ خرداد بارها مدعی شد به واسطه ترور رهبران و فرماندهان جبهه مقاومت و پس از حملات جنایت‌بار به غزه و لبنان، جبهه مقاومت ضعیف شده و به زعم او، اکنون نوبت حمله به ایران است. بنابراین حمله به ایران، نه تنها اساساً هیچ ربطی به قانون اقدام راهبردی نداشت، بلکه به اعتقاد صاحب‌نظران یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث ناچار شدن نتانیاهو و ترامپ به توقف حمله شد، وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد ایران بود. آنها بدشت نگران سرنوشت این ذخایر از زشمندان ایران بوده و هستند. کما اینکه پس از توقف جنگ، یکی از شروط ۳ کشور اروپایی برای عدم فعال سازی مکانیسم ماشه، همچنین تمدید قطعنامه ۲۲۳۱، اطلاع یافتن از شرایط این ذخایر مهم است. از سوی دیگر، هم ۳ کشور اروپایی و هم آمریکا اعلام کرده‌اند یکی از دستور کارهای هر نوع مذاکره با ایران در آینده و یکی از شروط آنها برای توقف احتمالی، تعیین تکلیف این ذخایر مهم است؛ ذخایری که در نتیجه قانون اقدام راهبردی مجلس به وجود آمده، یک خطر، اکنون کاملاً مشخص شده است. یکی از دستاوردهای قانون اقدام راهبردی، تقویت توان بازدارندگی ایران بوده است. قانونی که اکنون نزدیک به ۵ سال پس از ابلاغ آن، مشخص شده است بر اساس واقع‌بینی از مناسبات جهان، نوع مقابله و مواجهه غرب با ایران، نیز مبتنی بر یک مقاومت فعالانه تصویب و اجرایی شد و توانست با افزایش توان بازدارندگی ایران، جلوی توطئه‌های خطرناک علیه کشور را بگیرد.

به همین خاطر است که تخریب این قانون و وارونه‌نمایی و اختلاف نظر دانست.

تخریب قانون اقدام راهبردی، در واقع تخریب مقاومت و ایستادگی و زمینه‌سازی برای تجویز نسخه‌های سازشکارانه است. همان دیدگاهی که با وجود تشدید تحریم‌ها همچنان تأکید می‌کرد فعالیت‌های هسته‌ای ایران متوقف بماند، قاعدتا اکنون و در شرایط فعلی نیز نسخه‌ای مشابه ارائه می‌دهد.

وقتی قانون اقدام راهبردی تخطئه می‌شود، به تبع آن، دستاوردهای این قانون نیز مورد تخریب قرار می‌گیرد. یکی از این دستاوردها ذخایر از زشمندان اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد ایران است. بدین‌سبب یکی از پیامدهای تحریم قانون اقدام راهبردی، مسامحه درباره ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد ایران است. همان چیزی که اکنون آمریکا و اروپا خواستار از بین رفتن آن هستند. تفکری که ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد ایران را در ازای عدم لغو تحریم‌ها، به می‌بارتی، مصوبه اقدام راهبردی از یک سسو تلاش برای ایجاد موازنه هسته‌ای پشت میز مذاکره بود و از سوی دیگر، تلاشی برای احیای توان بازدارندگی ایران.



حمله به پایگاه آمریکا در سومالی
گروه شبه‌نظامی مسلح «الشباب» سومالی شامگاه جمعه اعلام کرد نیروهای این گروه حمله‌ای را به یک پایگاه نظامی متعلق به ایالات متحده در جنوب سومالی انجام داده‌اند. به گزارش بلنترم خبری «بی‌دوا آنلاین»، هدف این حمله نیروهای آمریکایی مستقر در فرودگاه «کیسمایو» بوده است.الشباب در بیانیه‌ای مدعی شد این اقدام در واکنش به «جنگ جاری در نوار غزه» انجام شده و طی آن «تلفات سنگینی» به نیروهای آمریکایی وارد شده و چندین خودروی زرهی آنان منهدم شده است. این گروه تأکید کرد «حمله اخیر تنها بخشی از پاسخ» به آنچه «دخالت‌های خارجی بر سرزمین‌های اسلامی» خوانده، خواهد بود. با این حال، رسانه «بی‌دوا آنلاین» تصریح کرد تاکنون امکان تأیید مستقل این ادعاها وجود نداشته و هیچ مقام رسمی سومالیایی یا آمریکایی درباره حادثه مزبور اظهار نظر نکرده است اما گروه الشباب با انتشار تصاویر این حمله که با پهباد تصویربرداری شده بود حجم خسارات سنگین به این پایگاه را رسانهای کرد. الشباب که شاخه‌ای وابسته به شبکه القاعده محسوب می‌شود، از سال ۲۰۰۴ در سومالی فعال است و همچنین بر بخش‌های وسیعی از مناطق جنوب و مرکز آن کشور تسلط دارد. برآوردها نشان می‌دهد شمار نیروهای این گروه به حدود ۱۸ هزار نفر می‌رسد، ارتش سومالی در سال‌های اخیر با پشتیبانی شبه‌نظامیان محلی، نیروهای حافظ صلح اتحادیهی آفریقا و یگان‌های نظامی آمریکا و چند کشور دیگر، عملیات گسترده‌ای را برای مقابله با این گروه پیش برده است. از سوی دیگر، کارشناسان نسبت به افزایش تهدیدات امنیتی هشدار داده‌اند. شریف شیخ احمد، رئیس‌جمهوری پیشین سومالی، اخیراً اعلام کرده بود ارتش ملی سومالی عملاً فروپاشیده و «کنترل واقعی کشور به دست الشباب افتاده است».

الحاق کشتی لایف ساپورت به ناوگان صمود

سازمان غیردولتی ایتالیایی Emergency، کشتی نجات «لایف ساپورت» را که هم‌اکنون در بندر کانائیا در سیسیل لنگر انداخته ظرف چند روز آینده برای پیوستن به ناوگان آزادی صمود اعزام می‌کند. سازمان غیردولتی ایتالیایی Emergency در حال آماده‌سازی است تا کشتی بزرگ جست‌وجو و نجات خود، لایف ساپورت (Life Support) را سه ناوگان جهانی صمود ملحق کند. این نهاد، بزرگ‌ترین سازمان بشردوستانه‌ای است که به‌طور علنی از این ناوگان حمایت کرده است. نهاد مورد اشاره که سال ۱۹۹۴ تأسیس شد، مشاور سازمان ملل و شریک اتحادیه اروپایی در ارائه کمک‌های انسانی و واکنش به بلایا است و تاکنون به بیش از ۱۲ میلیون نفر در ۲۰ کشور خدمات پزشکی داده است. به گفته Emergency، کشتی لایف ساپورت مأموریت ناوگان راحص کرده و پشتیبانی پزشکی و لجستیکی برای کشتی‌های شرکت‌کننده فراهم خواهد کرد. این کشتی هم‌اکنون در بندر کانائیا در سیسیل لنگر انداخته و انتظار می‌رود ظرف چند روز آینده همراه دیگر کشتی‌ها به ناوگان بپیوندد. کشتی لایف ساپورت با طول ۵۱ متر، بیش از ۲ برابر کشتی اصلی ناوگان یعنی Family است. این کشتی برای نجات مهاجران در دریای مدیترانه به کار می‌رود و از دسامبر ۲۰۲۲ تاکنون ۳۶ مأموریت انجام داده و بیش از ۳۰۰۰ نفر را نجات داده است.

حضور ۲۳ هزار یهودی آمریکایی در ارتش صهیونیستی

بر اساس گزارشی از روزنامه واشنگتن پست، حدود ۲۳ هزار شهروند یهودی آمریکایی هم‌اکنون در قالب ارتش صهیونیستی فعالیت می‌کنند.رقمی که به‌مراتب بیشتر از شمار یهودیان آمریکایی حاضر در نیروهای مسلح ایالات متحده است. مارهای وزارت دفاع آمریکا نشان می‌دهد سال ۲۰۰۶ تعداد سربازان یهودی آمریکایی در ارتش آمریکا کمتر از ۴ هزار نفر بوده، در حالی که طی کمتر از ۲ دهه، تعداد آنها در ارتش اسرائیل رشدی نزدیک به ۸ برابر داشته‌است. این تحولات هم‌زمان با تلاش نمایندگان جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان آمریکا برای تصویب لایحه‌ای تازه است که بر اساس آن، یهودیان آمریکایی شافل در ارتش صهیونیستی از مزایایی مشابه با سربازان ارتش ایالات متحده برخوردار شوند. کارشناسان افزایش چشمگیری حضور یهودیان آمریکایی در ارتش اسرائیل را نتیجه مستقیم نفوذ لای‌های طرفدار تل آویو، از جمله کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل (AIPAC)، می‌دانند. این گروه‌ها نقش پررنگی در سیاست‌گذاری ایالات متحده و بسیج حمایت‌های مالی برای ارتش اسرائیل دارند. علاوه بر این، سازمان‌هایی مانند «وستان ارتش اسرائیل» با جمع‌آوری کمک‌های مالی گسترده و برخورداری از معافیت‌های مالیاتی، زمینه‌ششایی بیشتر از یهودهای نظامی اسرائیل را فراهم کرده‌اند؛ اقدامی که به گفته تحلیلگران، ایجاد تزاری از پیوند میان سیاست داخلی آمریکا و حمایت از تل آویو را آشکار می‌کند.

■ ■ ■

در حال مذاکره با حماس هستیم

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، روز جمعه اعلام کرد دولت او گفت‌وگوهای «فشرده و جدی» با جنبش مقاومت اسلامی حماس برای آزادی اسرای اسرائیلی در نوار غزه را دنبال می‌کند. ترامپ در سخنانی در کاخ سفید با اشاره به شرایط بحرانی غزه گفت: «ما در حال مذاکره هستیم. این یک وضعیت ناخوشایند خواهد بود اما تصمیم نهایی با اسرائیل است. نظر من این است که اسرا باید آزاد شوند». وی در پاسخ به پرسشی درباره خواسته‌های حماس تأکید کرد «این گروه در خواست‌های مطرح کرده که بر برخی از آنها قابل قبول است» اما افزود: «باید ۷۰۰۰ اکتر را فراموش کرد؛ مردم آن را نادیده می‌گیرند یا شاید عمداً فراموش می‌کنند اما این روز باید جدی گرفته شود». ترامپ همچنین گفت با خانواده‌های اسرای اسرائیلی گفت‌وگو کرده و آنان «فقط خواهند بازگشت عزیزان‌شان هستند» و دو میلیون کنونی را «بسیار ناراحت‌کننده» توصیف کرد.